

گرگ برادن

# ماتریکس الہی

پلی میان زمان، فضا، معجزہ‌ها و باورها

---

ترجمہ فاطمہ اعلمی



سرشناسه

برادن، گرگ

Braden, Gregg

عنوان و نام پدید آور : ماتریکس الهی: پلی میان زمان، فضا، معجزه‌ها و باورها /  
گرگ برادن؛ ترجمه فاطمه اعلمی.

مشخصات نشر : تهران: نامک، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۲۶۴ ص.: مصور؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۱-۳۰-۹

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : عنوان اصلی: The divine matrix: briding time, space, miracles, and belief

موضوع : معنویت

شناسه افزوده : اعلمی، فاطمه، مترجم

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ م ۲ ۳۶ ب / BL ۶۲۴

رده‌بندی دیوبی : ۲۹۹/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۷۶۳۵۴



نامک در زبان پهلوی (فارسی میانه) به معنای کتاب و نامه است.

تلفن: ۶۶۴۱۷۶۳۶

ماتریکس الهی

پلی میان زمان، فضا، معجزه‌ها و باورها

نویسنده: گرگ برادن

مترجم: فاطمه اعلمی

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۷۷۷ نسخه

حروفچینی: گنجینه

لیتوگرافی: کارا / چاپ و صحافی: کهنمویی

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-6721-30-9

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۱-۳۰-۹

تمامی حقوق برای نشر نامک محفوظ است.

تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوتی و

انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

مرکز پخش: پارسه، ۶-۵-۶۶۴۷۷۴ (داخلی ۱)

## فهرست

مقدمه ..... ۱۱

### بخش I:

کشف ماتریکس الهی: رازی که همه چیز را به هم پیوند می‌دهد ..... ۳۱

فصل اول: س: در میان فضا چیست؟

ج: ماتریکس الهی ..... ۳۳

فصل دوم: الگوشکنی:

آزمایش‌هایی که همه چیز را تغییر می‌دهند ..... ۷۱

### بخش II:

بلی میان واقعیت و خیال: عملکرد ماتریکس ..... ۹۷

فصل سوم: آیا ما نظاره گرانی غیر فعالیم

یا آفرینندگان پرتوان؟ ..... ۹۹

فصل چهارم: زمانی وصل بودن، یعنی همیشه وصل ماندن:

زیستن در یک جهان هولوگرافیک ..... ۱۴۳

فصل پنجم: هنگامی که اینجا، آنجاست و آن وقت، اکنون است:

پرش از روی زمان و فضا در ماتریکس ..... ۱۶۷

### بخش III:

**پیامهایی از ماتریکس الهی: زندگی، عشق و شفا در آگاهی کوانتومی ... ۱۸۳**

فصل ششم: کائنات با ما سخن می‌گوید:

پیامهایی از ماتریکس ..... ۱۸۵

فصل هفتم: نگاهی به آینه رابطه‌ها:

پیامهایی از سوی خودمان ..... ۲۰۹

فصل هشتم: بازنویسی کد واقعیت:

۲۰ کلید آفرینش آگاهانه ..... ۲۴۹

## مقدمه

به لبه پرتگاه بیاید  
«شاید سقوط کنیم»  
به لبه پرتگاه بیاید  
«بسیار بلند است!»  
به لبه پرتگاه بیاید  
و آنها آمدند  
و او پرتابشان کرد  
و آنها پرواز کردند.

این کلمات، مثالی زیبا از قدرتی را به ما نشان می‌دهد که با خطرکردن و پشت سر نهادن مرزهایی که همواره در زندگی به آنها باور داشتیم، در انتظارمان است. در این مکالمه کوتاه از شاعر معاصر، کریستوفر لوگ<sup>۱</sup>، گروهی از نوآموزان، خود را در معرض تجربه‌ای می‌یابند که بسیار با آنچه که در ابتدا توقع داشتند، تفاوت دارد. آنها نه تنها به لبه پرتگاه می‌آیند بلکه با تشویق آموزگارشان خود را به طرزی شگفت‌انگیز و آزادی بخش در فراسوی آن می‌یابند. آنها در این سرزمین بکر،

تجربه نوینی از خویشتن به دست می آورند و با این کشف به آزادی جدیدی نائل می شوند.

صفحاتی که در پی می آیند از بسیاری جهات مانند آمدن آن تازه کاران بر لبه پرتگاه است. صفحاتی که وجود یک میدان انرژی را شرح می دهند - ماتریکس الهی - که به مثابه یک ظرف، یک پل و یک آینه برای هر آن چیزی است که در دنیای درون و دنیای بیرون از جسم ما در حال رخ دادن است. وجود این میدان انرژی در هر چیزی از کوچکترین ذرات اتم کوانتوم تا کهکشانهای دور دست که نورشان هم اکنون به چشم ما می رسد و همه چیزهایی که در حد فاصل آنها قرار دارد، باور ما را نسبت به نقش خود در جهان دگرگون می کند.

این مطلب برای برخی از شما تازگی داشته و با طرزفکران دربارہ کارکرد امور جاری زندگی تفاوت زیادی دارد. برای برخی دیگر از شما مایه آرامش خاطر می شود زیرا با آنچه تا کنون می دانستید یا حداقل گمان می کردید واقعیت دارد، هماهنگ است. اما برای همه، وجود شبکه اولیه‌ای از انرژی که همه چیز را در این جهان هستی به هم پیونددهد، دری را به سوی یک امکان قدرتمند و اسرار آمیز باز می کند؛ این امکان که ما بسیار بیشتر از نظاره گرانی هستیم که از جهانی که هم اکنون وجود دارد تنها در لحظه کوتاهی از زمان عبور می کنیم.

وقتی به «زندگی» نگاه می کنیم - به داشته‌های مادی و معنوی، به روابط و کارهایمان، به عمیق‌ترین عشق‌ها و بزرگ‌ترین موفقیت‌هایمان، در کنار ترس‌هایمان و فقدان همه اینها - شاید در واقع در آینه حقیقی‌ترین و گاهی ناخودآگاه‌ترین باورهایمان چشم دوخته باشیم.

ما هنرمندیم و نیز، «هنر»یم

این عقیده که شاید برای خیلی‌ها باورکردنی نباشد، محل بزرگ‌ترین منازعات و جدل‌های برخی از درخشانترین ذهن‌ها در تاریخ معاصر بوده است. برای مثال

آلبرت اینشتین با جمله‌ای معروف در اتوبیوگرافی خود این عقیده را بیان کرد که ما اساساً نظاره‌گرانی منفعل هستیم که در جهانی بسر می‌بریم که هم اکنون وجود دارد؛ جهانی که نمی‌توانیم تاثیر چندانی بر آن بگذاریم. او می‌گوید: «آن دورها دنیایی پر عظمت بدون وابستگی به ما موجودات انسانی وجود دارد، همچون یک معمای جاودان که تنها بخش بسیار کوچکی از آن برای بررسی و تفکر در دسترس ما قرار دارد.»

بر خلاف دیدگاه اینشتین که همچنان به طور گسترده مورد پذیرش بسیاری از دانشمندان امروزی است، جان ویلر<sup>۱</sup>، فیزیکدان از دانشگاه پرینستون و همکار اینشتین نظر کاملاً متفاوتی درباره نقش ما در جهان هستی ارائه می‌دهد. او با واژه‌هایی کاملاً روشن می‌گوید: «ما این تفکر قدیمی را داشته‌ایم که آن بیرون جهانی وجود دارد و انسان، ناظر جهان هستی است که با یک شیشه ضخیم و به‌طور امن از آن محافظت می‌شود.» ویلر با اشاره به آزمایش‌های انجام گرفته در اواخر قرن بیستم که نشان دادند چگونه تنها با نگاه کردن به چیزی، آن چیز تغییر می‌کند، این‌گونه ادامه می‌دهد: «ما اکنون از دنیای کوانتوم می‌آموزیم که حتی برای مشاهده یک ذره بسیار کوچک نظیر الکترون مجبوریم آن قاب شیشه‌ای را بشکنیم: ما باید به آنجا برسیم.... باید واژه ناظر را از کتاب‌ها برچید و به جای آن واژه "شرکت‌کننده" را گذاشت.»

چه اختلافی! ویلر در تفسیری کاملاً متفاوت از رابطه ما با دنیا، تأکید می‌کند که غیر ممکن است تنها مشاهده‌گر آن چیزی باشیم که در جهان پیرامون ما اتفاق می‌افتد. آزمایش‌ها در فیزیک کوانتوم نشان می‌دهند که تنها با نگاه کردن به ذره‌ای به کوچکی الکترون - تنها با تمرکز آگاهی خود بر آنچه که در حال انجام است، حتی برای یک لحظه از زمان - مادامی که در حال تماشای آنیم ویژگی‌های

آن تغییر می‌یابد. این آزمایش نشان می‌دهد عمل مشاهده، نوعی آفرینشگری است و آن آگاهی است که می‌آفریند. این یافته‌ها از نظریه ویلر پشتیبانی می‌کند و بر اساس آن دیگر نمی‌توانیم خود را تماشاگرانی بدانیم که بر دنیایی که نظاره می‌کنیم، هیچ تاثیری نداریم.

این اندیشه که ما در آفرینش شراکت داریم و تنها رهگذرانی نیستیم که از این جهان هستی در مدت زمان کوتاه یک عمر عبور می‌کنیم، نیازمند درکی جدید از ماهیت و نحوه عملکرد کائنات است. زمینه چنین جهان‌بینی انقلابی و رادیکالی منشا یک سری از کتاب‌ها و مقالات از دیوید بوهم<sup>۱</sup> فیزیکدان دیگری از دانشگاه پرینستون و همکار اینشتین، گردید. بوهم قبل از مرگش در سال ۱۹۹۲ دو تئوری پیشگام از خود برجای گذاشت که دیدگاهی بسیار متفاوت - و از برخی جهات تقریباً کل نگر - از جهان هستی و نقش ما در آن ارثه می‌داد.

اولین آن تفسیری از فیزیک کوانتوم بود که زمینه را برای ملاقات بوهم با اینشتین و به دنبال آن دوستی آنها فراهم آورد. این تئوری دری گشود بر آنچه بوهم آن را «عمل آفرینش از لایه‌های زیرین... واقعیت» نامید. به عبارت دیگر او اعتقاد داشت مراحل آفرینشگری عمیق‌تر یا بالاتری هم در جهان وجود دارند که آنچه در دنیای ما اتفاق می‌افتد به آنها بستگی دارد. از این سطوح نامحسوس واقعیت است که دنیای فیزیکی ما سرچشمه می‌گیرد.

تئوری دوم او بیان می‌کند که جهان هستی نظام طبیعی یکپارچه‌ای است که اجزای آن از راه‌هایی نه چندان آشکار با هم در ارتباطند. بوهم در طی کارهای اولیه‌اش در «لابراتوار رادی یشن»<sup>۲</sup> دانشگاه کالیفرنیا (که در حال حاضر لابراتوار ملی لارنس لایو مور نام دارد)<sup>۳</sup> فرصت این را یافت تا ذرات کوچک اتم را در

1. David Bohm

2. Radiation Laboratory

3. Lawrence Livermore National Laboratory



وضعیت گازی شکلی که به آن پلاسما می‌گویند، مشاهده کند. بوهم دریافت که ذرات وقتی در وضعیت پلاسما قرار دارند بر خلاف انتظار، کمتر به صورت واحدهای مجزا رفتار می‌کنند و گویی اجزایی از هستی بزرگ‌تری هستند که با یکدیگر در ارتباطند. این آزمایش‌ها بنیان اثر پیشگامانه‌ای شد که شهرت بوهم بیشتر مدیون آن است - کتابش در سال ۱۹۸۰ به نام «تمامیت و نظم تلویحی»<sup>۱</sup>.

در این اثر پیشگام و انقلابی طبق نظر بوهم اگر مجموعه عالم را از منظر بالاتری ببینیم، اتفاقاتی که در دنیای ما می‌افتد در واقع انعکاسی از چیزهایی است که در دنیای دیگری روی می‌دهد، دنیایی که در حال حاضر قادر به دیدن آن نیستیم. به نظر او هم چیزهای قابل مشاهده و هم چیزهای غیر قابل مشاهده تجلی نظم بزرگ‌تر و فراگیر هستند. او برای ایجاد تمایز میان این دو قلمرو آنها را «تلویحی»<sup>۲</sup> و «آشکار»<sup>۳</sup> نامید.

آنچه را که می‌توانیم ببینیم و لمس کنیم و چیزهایی که به نظر می‌رسد در دنیای ما جدا از هم قرار دارند - مانند صخره‌ها، اقیانوس‌ها، جنگل‌ها، حیوانات و انسان‌ها - مثال‌هایی از نظم آشکار آفرینش‌اند. بوهم می‌گوید هر چند آنها جدا از یکدیگر به نظر می‌رسند، در قلمرو عمیق‌تری از واقعیت با یکدیگر پیوند دارند ولی نحوه پیوند آنها از منظر فعلی ما در هستی قابل مشاهده نیست. به عقیده او همه اینها که از هم جدا به نظر می‌رسند، بخشی از یک تمامیت بزرگ‌ترند که او آن را نظم تلویحی می‌نامد.

بوهم برای بیان تفاوت میان تلویح و آشکار، چشمه آب روان را مثال می‌زند. وی با اشاره به شیوه‌های مختلفی که برای نگرستن به جریان آب وجود دارد در باب توهم جدایی توضیح می‌دهد: «در این جویبار، می‌توان شاهد گرداب‌ها،

1. Wholeness and the Implicate Order      2. implicate

3. explicate

طرح‌های هر لحظه متغیر، حلقه‌ها، موج‌ها، جهش آب و غیره بود که آشکارا هیچ وابستگی وجودی میان آنها نیست.» به عقیده بوهم گرچه نا آرامی‌های درون آب ممکن است مجزا به نظر برسند، اما ارتباطی نهانی و پیوندی بنیادین میان آنها برقرار است. او تاکید می‌کند: «فرم‌های انتزاعی این ماهیت گذرا، تنها بر یک استقلال وابسته دلالت می‌کند تا بر یک وجود کاملاً مستقل. به عبارت دیگر همه آنها، بخشی از همان آب هستند.»

بوهم با این مثال‌ها برداشت خود را از اینکه جهان و هر چه در آن است می‌تواند بخشی از یک طرح جهانی باشد که پیوند یکسانی میان تمام اجزای آن برقرار است، ارائه می‌کند. او دیدگاه خود را مبنی بر یکپارچگی طبیعت، این‌گونه خلاصه می‌کند: «شاید بهتر باشد که این بینش جدید را تمامیت تقسیم‌ناپذیر در حرکت جاری بنامیم.»

بوهم در سال ۱۹۷۰ برای توضیح اینکه جهان در عین پراکندگی می‌تواند تمامیتی یکپارچه داشته باشد، مثال روشن‌تری می‌زند. او با تفکر درباره طبیعت به هم پیوسته جهان روز به روز بیشتر قانع می‌شد که عملکرد کائنات همچون یک هولوگرام عظیم است. در یک هولوگرام، هر بخشی از هر چیزی در بر دارنده آن چیز است به طور کامل، اما در مقیاسی کوچک‌تر. (برای کسانی که با مفهوم هولوگرام آشنایی چندانی ندارند توضیح آن با جزئیات بیشتر در بخش ۴ آورده شده است.) از دیدگاه بوهم دنیای ما انعکاس رویدادی واقعی‌تر و عمیق‌تر است. بر پایه این دیدگاه مبتنی بر یگانگی، طرح‌ها درون طرح‌ها قرار دارند، به طور کامل اما در مقیاسهایی متفاوت.

سادگی هوشمندانه بدن انسان مثال زیبا و آشنایی از یک هولوگرام ارائه می‌دهد. DNA مربوط به هر قسمت از بدن ما شامل کدهای ژنتیکی (الگوی کامل) DNA تمام قسمت‌های دیگر بدن است، چه مو باشد یا یک ناخن و یا خون. الگوی ژنتیکی ما، همیشه آنجا درون آن کد وجود دارد... و همیشه همان است.